

کارکردهای آموزشی و پرورشی وقف

سمیه فلاح تفتی

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

sfalah12@gmail.com

محمد اکبر نژاد

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و مدرس دانشگاه فرهنگیان یزد

Shahabedu3@gmail.com

چکیده:

وقف از جمله تأسیسات اسلامی برای افزایش مشارکت اجتماعی در گسترش نیکی ها در جامعه است که از صدر اسلام تاکنون همانند گوهری درخشان بر تارک جامعه اسلامی می درخشد. بهره برداران از وقف نه تنها انسانها که حیوانات نیز بوده اند. وقفنامه هایی که برای جلوگیری از ظلم و ستم بر حیوانات و آزادی آنها، حمایت و نگهداری از پرندگان و حیوانات مریض و رسیدگی به آنها در اوقات خاص مثل زمستان وجود دارد، دلیلی بر این مدعاست. شکوفایی و تقویت فرهنگ اسلامی بویژه علوم و معارف دینی به واسطه ایجاد نهادهای آموزشی و مدارس، مرهون پشتوانه های ارزشمندی از قبیل اوقاف بوده است. از قدیم الایام مدارس و مراکز آموزشی به واسطه دارا بودن منابع و پشتوانه های مادی از طریق املاک و اموالی که به عنوان وقف بر آن مقرر گردیده بود، استمرار آبادانی و علمی خود را در آن دوران و سده های متمادی حفظ کرده و به تربیت دینی دانش آموزان پرداخته اند. آثار وقف در جامعه انسانی از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، آموزشی و تربیتی قابل بررسی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز تربیتی، پشتوانه مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی و تربیتی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته اند به مدارج عالی علمی برسند. از طریق تقویت مالی مدارس اسلامی توسط وقف، این مدارس حتی توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت اروپا تأثیر بگذارند.

پژوهش حاضر که در ردیف تحقیقات کاربردی و مروری می باشد، ضمن بررسی جایگاه وقف و جنبه های آموزشی و پرورشی آن در قرآن و آموزه های دین مبین اسلام، و ایران قبل و بعد از اسلام، به کارکردهای تربیتی وقف با تأکید بر تربیت دینی پرداخته و نقش واقف یا واقفان در ایجاد مدارس و زمینه های تقویت و توسعه تربیت مذهبی را از این منظر بررسی نموده است.

کلمات کلیدی:

وقف، تعلیم و تربیت، تربیت دینی.

مقدمه:

یکی از عظیم ترین ویژگی های تمدن اسلامی، روح دانش پروری و فرهنگ دوستی آن است که ریشه در مبادی اعتقادی آن دارد گرچه مسلمانها تا اوایل قرن دوم، بر اثر اشتغال به فتوحات و مسائل ناشی از آن، فرصت پیدا نکردند که علوم اسلامی را آن گونه که انتظار می رفت تدوین و تکمیل نموده و اشاعه دهند، ولی کم کم که آرامش نسبی و رفاه اقتصادی، بر کشور پهناور اسلامی آن روز حکمفرما گردید، مردم فرصت و امکانات بیشتری پیدا کرده، کوششهای بی دریغ و خستگی ناپذیری را در راه پیشرفت دانش و فرهنگ آغاز نمودند. از جالب ترین تعالیم اجتماعی اسلام که براساس تعاون و حس نوع دوستی بنا نهاده شده، مسأله وقف و صدقات جاریه است. هدف اصلی از وقف، تأمین و تثبیت محل سکونت و منبع ارتزاق و تأمین قسمتی از نیازمندیهای عمومی و گسترش فرهنگ و تشویق به احداث بناهای بهداشتی، مذهبی و بویژه علمی و تربیتی است. اسلام با این کار یک برنامه عالی انسانی را بنیانگذاری کرد که در اثر آن عواطف بشر دوستی زنده شد. اسلام با این ابتکار تا آن جا در روح و اخلاق مردم اثر گذاشت که از مال خود چشم می پوشند و با وقف کردن قسمتی از اموال خویش به نفع کسانی که باید حمایت شوند وسیله آسایش آنان را فراهم می کنند و نیازمندیهای نسلهای آینده را نیز از طریق وقف تأمین می کنند. اسلام با طرح مسأله وقف و تشویق به صدقات جاریه از یک طرف اختیارات و نظرات مالک را نسبت به ملک خود (حتی سالها پس از مرگش) محترم و نافذ شمرده و از طرفی قدم اساسی را در راه گسترش علم و دانش و پرورش دانشمندان برداشته و بنای عمران و آبادی شهرها و رفاه عموم را حتی در بیابانها و جاهای دور از آبادی پایه ریزی نموده است. (سلیمی فر، ۱۳۷۰)

تعریف وقف: وقف که از جمله عبادات و از صدقه ی جاریه است، در لغت به معنی ایستادن و در اصطلاح فقهی به معنی حبس عین ملکی است بر ملک خدای تعالی که ملکیت از مالک ملک به خداوند منتقل می شود. (لغت نامه ی دهخدا ذیل ماده وقف). به عبارتی دیگر: ماندن اصل مال و جابجایی منفعت آن، تا مردم از منافعی بهره مند شوند. (معراجی، ۱۳۸۵)

تعریف عمومی وقف: وقف در واقع عملی است الهی که شخص در کمال صحت و سلامت عقل و اندیشه، تمام یا قسمتی از مال و جان خویش را بی آنکه انتظار دریافت پاداشی را داشته باشد با تمام وجود و عشق و برای رضای خدا به همونوع یا همونوعان خویش می بخشد. (کسای، ۱۳۷۷)

تعریف معنوی وقف: در بعد معنوی نیز وقف مفهوم پیدا می کند. در فرهنگ دینی اسلامی وقف معنوی بیش از وقف مادی تاکید گردیده و مدام وقف معنوی بر وقف مادی ترجیح داده شده است. وقف معنوی به وقفی اطلاق می شود که از هیچ گونه ظاهر و جلوه های مادی برخوردار نیست و صرفا بازده معنوی دارد. هر عمل خیری که باعث رشد ارزشهای معنوی، اخلاقی و فکری در جامعه شود وقف معنوی نیز بر آن صدق می کند؛ زیرا معنویت معنویت در جامعه با رشد همین ارزشهاست که رشد می کند و فقدان این ارزشها در یک جامعه نیز نشانگر انحطاط آن جامعه است (جوادی-۱۳۸۸)

وقف از نظر حقوقی: وقف عملی حقوقی است که به موجب آن شخص (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) عین مالی را از مالکیت خود خارج نموده از هرگونه نقل و انتقال - اعم از نقل و انتقالهای ارادی مانند اقسام معاملات و نقل و انتقالهای قهری

مانند توارث و سایر تصرفات بطور کامل مصون نگاه می دارد و منافع آن را در راههای خداپسندانه و امورخیریه بطور دایم به جریان می اندازد تا افراد محدود و معین و یا نامحدود و غیر معین به صورت بلا عوض از منافع بهره مند شوند. (همان منبع)

وقف در آموزه های قرآنی:

وقف در فرهنگ اسلامی نوع خاصی از «انفاق» و «صدقه» است. انفاق و صدقه به مفهوم عام آن هر نوع هبه، هدیه و بخشش را شامل می شود که برای خدا و به خاطر مصالح خلق خدا، اهدا می شود. اسلام بسیار بر گسترش فرهنگ وقف تأکید کرده و آن را یکی از عمده ترین عامل، در توسعه، تکامل، پیشرفت و تعامل جامعه، فرهنگ و تمدن اسلامی می داند. رسول گرامی اسلام (ص) اولین کسی بودند که اسیران جنگی را «وقف موقت» در راه آموزش کودکان نمودند و با این کار ضمن یادآوری اهمیت علم و دانش به مسلمین، جواز وقف نمودن افراد را در راه علم و دانش فراهم کردند. هنگامی ارزش و اهمیت این عمل پیامبر (ص) آشکار می شود که بدانیم در سرتاسر شبه جزیره عربستان آن عصر، به تعداد انگشتان دو دست، افرادی یافت نمی شدند که قادر به خواندن و نوشتن باشند. بدین ترتیب پیامبر با وقف اسیران باسواد غیر مسلمان به ترویج تربیت قرآنی، هم کودکان مسلمان را باسواد نمود و هم اسیران غیرمسلمان را تحت تاثیر کلام وحی قرار داد که آنها نیز بعد از مدتی مسلمان شدند. (عمرانی، ۱۳۸۸).

تاکیدات اسلام در مسیر تعلیم و تربیت مسلمین، بویژه تربیت دینی آنان، باعث شد که آحاد مردم به طرق مختلف در صد گسترش علم و ترویج آن برآیند که یکی از ابزارهای اساسی در جهت بسط و نشر علم و دانش در دنیای اسلام، عمل به وقف بود. بسیاری از پادشاهان، امرا، علمای دینی و اندیشمندان و بزرگان قوم و حتی مردم کوچه و بازار، اموال و دارایی های خود را در جهت گسترش دانش و تربیت دینی وقف نمودند. در روایت از امام ششم، نخستین وقف نامه مربوط به دخت گرامی پیامبر گرامی اسلام حضرت زهرا (س) است که فرمود: «این چیزی است که فاطمه بنت محمد (ص) وصیت کرده است، حوائط هفت گانه را به علی بن ابی طالب (ع) و بعد به حسن (ع) و بعد به حسین و بعد از او به فرزندان» (شبللی، ۱۳۷۰).

قرآن با درک از اهمیت نقش وقف و انفاق در توسعه جامعه و تمدن آن، یکی از سوره های آن را به انفاق اختصاص داده است. سوره «لیل» سوره ای است که از اول تا به آخر مؤمنین و مسلمانان را به بخشش و انفاق فرا می خواند و وقف و انفاق را باعث پاکیزه شدن مال از حقوق دیگران تلقی می کند. پاکیزه شدن مال از حقوق دیگران، بدین مفهوم است که اصولاً صدقه در فرهنگ اسلامی به عنوان یک حق ارزیابی شده است، تا یک سنت حسنه. در فرازهایی از این سوره می خوانیم: «فاما من اعطی و اتقی و صدق بالحسنی فسنیسره لیسری و اما من بخل و استغنی و کذب بالحسنی، فسنیسره للعسری، و ما یعنی ما له اذا تردی» (لیل: ۱-۸) در جای دیگر این سوره مبارکه آمده است که اعطای مال به مثابه تزکیه مال محسوب می شود: «الذی یؤتی ماله یتزکی و ما لاحد عنده من نعمه تجزی، الا ابتغاء وجه ربه الاعلی، و لسوف یرضی» (ضحی: ۲۱-۱۸) در سوره بقره، خداوند انفاق در راه خدا را، به دانه ای تشبیه می کند که از آن بوته ای جوانه می زند. در هر بوته خوشه هایی وجود دارد که صدها دانه را به ارمان می آرد. تمثیل این گونه ای انفاق، بدان خاطر در قرآن آمده است که ثمردهی وقف در توسعه جوامع به همان میزان گسترده است، که حتی وقف یکدانه گندم می تواند به صدها دانه گندم تبدیل شود. یعنی صدها برابر آنچه که خود ظرفیت دارد، در جامعه می تواند نقش ایفا کند: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه کمثل حبه انبتت

سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه و الله يضعف لمن يشاء و الله واسع عليهم.الذین ینفقون اموالهم، فی سبیل اللہ. ثم لا یتبعون ما انفقوا منا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره: ۲۶۱) «یا ایها الذین امنوا انفقوا من طیبیت ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض» (بقره: ۲۶۷). در آیه دیگر خداوند انسان انفاق گر را آدمی معرفی می کند که فارغ از هر حزن و اندوه است؛ زیرا او رسالت الهی، انسانی، تاریخی و اجتماعی خویش را ایفا نموده است و به همین خاطر هم نزد خدا، هم نزد تاریخ و هم نزد خلق خدا سربلند است. «الذین ینفقون اموالهم بالیل و النهار، سرّاً و علانیه، فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف، علیهم و لا هم یحزنون». (بقره: ۲۷۴)

با استناد به این روایات است که عنوان زیبای «خدمات اجتماعی جاوید» بر روی عمل صالح وقف گذاشته می شود و لذا سازمان وقف از شاهکارهای تعاون و برنامه های اجتماعی اسلام است که در کمتر تمدنی به این وسعت و اهمیت می توان به خدمتی اجتماعی، انسانی نظیر آن دست یافت، وقف به استناد آیه ۹۷ نحل، عامل پیوند انسان با زندگی جاودانی بوده و عامل مؤثر و پشتوانه تداوم نهضت خونین کربلا و تمامی حرکت های رهائی بخش تشیع در طول تاریخ است وقف همان عمل صالحی است که اگر هر مرد یا زنی موفق به انجام آن شود ضمن برداشتن مؤثرترین قدم در رفع محرومیت ها و پریشانی ها، به یقین به رحمت واسعه الهی خواهد رسید. جدا از بعد مادی آثار وقف، در بعد معنوی نیز وقف مفهوم پیدا می کند. در فرهنگی دینی اسلامی، صدقه و وقف معنوی بیش از وقف مادی تأکید گردیده و مدام وقف معنوی بر وقف مادی ترجیح داده شده است. وقف معنوی به وقفی اطلاق می شود که از هیچ گونه مظاهر و جلوه های مادی برخوردار نیست و صرفاً بازده معنوی دارد. هر عمل خیری که باعث رشد ارزش های معنوی، اخلاقی و فکری و جامعه شود وقف معنوی نیز بر آن صدق می کند؛ زیرا معنویت در جامعه با رشد همین ارزش هاست که رشد می کند و فقدان این ارزش ها در یک جامعه نیز نشانگر انحطاط آن جامعه است.

وقفهایی با رویکرد و کارکرد تربیت دینی:

از جمله آموزه های تربیتی اسلام که نقش و جایگاه بسیار مهمی در تربیت دینی افراد دارد، نهاد وقف و ترویج فرهنگ وقف است. از جمله کارکردهای وقف، تعلیم و تربیت رایگان و تربیت دینی کودکان و نوجوانان اجتماع، از قبیل احداث مدارس، کتابخانه ها و قرائت خانه ها، تأمین هزینه های مؤسسات آموزشی و فرهنگی از محل درآمد موقوفات، کمک به امور تحصیلی فرزندان محرومین و مستضعفین و نظایر آن است. گرچه پیش از اسلام و در ادیان آسمانی دیگر و نیز حتی در جوامع غیردینی، وقف هم وجود داشته است، ولی با روح و ماهیت ویژه ای که اسلام به آن بخشید، به صورت یک نهاد تأسیسی اسلام ظاهر شده است که منشأ خیرات و برکات فراوان در جوامع اسلامی بوده است؛ به گونه ای که ابن خلدون ریشه برتری جوامع شرقی بر غربی در زمان خودش را مرهون همین نهاد مهم می داند. با مطالعه دقیق نهاد وقف در اسلام، می توان اهداف گوناگونی مانند: تأمین اجتماعی نیازهای طبقات فقیر جامعه و نسل های آینده، کمک به بهداشت جامعه، تهیه و تأمین بسترهای رشد علمی و فرهنگی جامعه، افزایش سطح معرفت دینی جامعه و نهادینه ساختن دینداری و تربیت دینی و ... را از تأسیس این نهاد مهم دریافت. (هدایتی، ۱۳۸۴)

از ویژگی های دیگر وقف اینکه یک سنت حس نه است که ثمرات و برکات آن لحظه ای و موقت نیست، بلکه همیشگی و دائمی است و فقط یک مقطع زمانی خاص از حیات جامعه و گروهی خاص از شهروندان یک جامعه را پوشش نمی دهد، بلکه

آثار آن در طول زمان و برای نسل های متمادی در جریان است . از این ویژگی در متون یاد شده است . به همین دلیل، وقف از جمله تدابیر و « صدقه جاریه » اسلامی با عنوان سیاست های ریشه ای و پایه ای در تعلیم و تربیت به حساب می آید. ویژگی دیگر وقف به عنوان یکی از آموزه های اسلامی مؤثر در سیاست اجتماعی و تربیتی اسلام این است که موارد مصرف آن محدود نیست، بلکه گونه های اشکال و ابعاد مختلفی را پذیراست .چنین نیست که وقف فقط شامل ساختن مساجد شود، بلکه متناسب با هر نوع نیاز جامعه اسلامی، می توان از وقف استفاده کرد. همان طور که مطالعه وقفنامه ها بیانگر این است که هریک از واقفان ، متناسب با درک و بینش تربیتی خود از مشکلات و مسائل تعلیم و تربیت دینی جامعه ، مال و املاک خویش را وقف می کرده اند . به عنوان مثال میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- وقف چندین درخت گردو برای خرید جایزه و دادن به بچه هایی که در نماز جماعت مسجد حاضر می شوند.
- ۲- وقف بخشی از درآمد یک کارخانه برای هزینه کلاس حفظ قرآن دانش آموزان.
- ۳- وقف مغازه برای تامین هزینه تشکیل کلاسهای احکام دینی در مدارس.
- ۴- وقف بخشی از درآمد زمین کشاورزی برای خرید چادرمشکی برای ترویج فرهنگ حجاب در مدارس.
- ۵- وقف مغازه برای تهیه صبحانه دانش آموزان شرکت کننده در جلسات زیارت عاشورا و قرآن مدارس.
- ۶- وقف کارخانه برای تهیه اقلام تحصیلی ایتم مدارس.
- ۷- وقف وقت برای تدریس خصوصی و رسیدگی به امور تحصیلی دانش آموزان محروم و یتیم توسط گروهی از معلمین.
- ۸- وقف منزل در مشهد و قم برای برگزاری اردوهای دانش آموزی مناطق محروم.
- ۹- وقف درآمد شرکت برای تامین نفت و چراغ روشنایی برای مطالعه دانش آموزان.
- ۱۰- وقف خانه های مشق برای مطالعات و انجام تکالیف توسط دانش آموزان.
- ۱۱- وقف الاغ و گاری برای ایاب و ذهاب بچه ها به مکتبخانه.
- ۱۲- وقف بخشی از سرمایه برای تامین هزینه تحصیلات دانش آموزان سادات محروم.
- ۱۳- تشکیل بنیادهای خیریه و موقوفه و غیرانتفاعی برای امور تحصیلی و تربیتی دانش آموزان و دانشجویان.
- ۱۴- وقف درآمد ناشی از اجاره مغازه برای تامین آب گرم مدرسه برای وضوگرفتن بچه ها در نماز جماعت زمستان.
- ۱۵- وقف برای آموزش حرفه ای و حرفه آموزی. همچنان که یکی از اهداف تأسیس (رشیدیه) یا ربع رشیدی آموزش حرفه ای بود تا کودکان بر حسب نوع و میزان استعداد و نیاز جامعه (مزارع و مشاغل مثل خطاطی، زرگری، کهریزکنی) درجه بندی شده و آموزش ببینند. (امینیان، ۱۳۸۸)

وقف و تربیت دینی در آموزش و پرورش ایران:

قبل از پیروزی اعراب بر حاکمان غیرمسلمان ایران، و تسلط ایدئولوژی اسلامی به عنوان دین حاکم کشور، مراکز متعددی برای آموزش علم و دانش در ایران وجود داشته که معروفترین آن دانشگاه جندی شاپور بود. اما در مورد علل شکست ارتش قدرتمند ساسانیان در برابر سپاه اسلام عوامل مختلفی ذکر می گردد که به نظر محققان تاریخ، یکی از مهمترین آنها وجود نظام طبقاتی در تمامی ابعاد زندگی ایرانیان بوده و این نظام طبقاتی به عینی ترین شکل خود در زمینه آموزش و پرورش به چشم

می آمد. چرا که نه تنها دبیران و کاتبان از طبقه خاصی بودند بلکه حق خواندن و نوشتن از امتیازات طبقه خاصی از جامعه آن روز ایران بود. چنان که فردوسی شاعر نامدار پارسی گوی در این زمینه داستان معروفی را به نظم در آورده که مطلع آن چنین است:

بدو گفت شاه: ای خردمند مرد
برو همچنان بازگردان شتر
چو بازارگان بچه گردد دبیر
چو فرزند ما برنشیند به تخت...

و همچنان که اغلب ما در متون تاریخی خوانده ایم؛ انوشیروان عادل! حاضر نمی گردد در قبال دریافت سیصد هزار دینار از مرد کفاش، اجازه دهد که فرزند وی از حق تعلیم و تربیت برخوردار شود.

اما دین مبین اسلام که نخستین آیات وحی به پیامبرش (ص) علم و دانش آموزی بود، با طرد نظام طبقاتی، بطور اساسی با تبعیض در آموزش و پرورش مبارزه نمود. آموزش و پرورش را بدون توجه به هیچ مانعی و وظیفه و تکلیف حکومت قرار داد و آن را در ردیف واجبات اجتماعی مردم جامعه برشمرد. زمینه های تاریخی پیدایش مدارس اسلامی به قرن سوم هجری باز می گردد که گسترش قلمرو سرزمینهای اسلامی و آشنایی مسلمانان با اصول ادیان و مذاهب دیگر و انتقاد پیروان آنها از برخی عقاید و آداب و لزوم پاسخگویی و تفسیر و ترجمه، زمینه های فرهنگی و اجتماعی را فراهم کرد تا حکومتهای اسلامی به فکر ایجاد فضای بحث و مناظره بیافتند و مساجد، نخستین فضاهای تدریس و مراکز درس و بحث بوده و به تدریج دارالعلوم هایی نیز به وسیله علما و امراء تأسیس گردید که هم معماری و هم محتوای درسی آنها متأثر از مساجد بود.

در قرن هفتم با حمله مغول به ایران و انقراض عباسیان، نفوذ ایرانیان در دربار مغول، مسلمان شدن غازان خان و گذاشتن نام محمد بر خویشتن و به وزارت رسیدن خواجه رشیدالدین فضل اله، موقوفات رونق فزونتری یافت و مراکز علمی و رفاهی نظیر رصدخانه ها، مدارس، بیمارستان ها، کتابخانه ها و... به موارد وقف اضافه شد. در عصر صفویه، وقف توسعه بیشتری یافت و سلاطین، بیشترین املاک متعلق به خود را به آستانه مقدس امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) وقف نمودند. در همین دوران، اداره امور اوقاف به مستوفی (وزیر) مخصوص واگذار شد و همه مستوفیان و متصدیان و متولیان ملزم شدند محاسبات خود را به دفتر موقوفات تسلیم کنند. تسلط نادرشاه بر ایران، ضربه ی سختی به پیکر نورانی وقف وارد ساخت، او ضمن ضبط موقوفات، درآمدهای حاصله از آن را صرف لشکریان خود کرد و با فرمان نامشروع موجب شد که مقدار قابل توجهی از موقوفات جزء املاک خالصه به ثبت برسد و به همین دلیل بسیاری از مردم، وقفنامه ها را پنهان کردند که حاصل آن مجهول ماندن بسیاری از وقف نامه ها شد. غارت اصفهان به وسیله افغانه ضربه دیگری بود که بر وقف و موقوفات وارد آورد با مرگ نادر، جانشین وی فرمان لغو مالکیت شخصی بر موقوفات را صادر کرد.

وقف در امر آموزش و پرورش کشورمان نقش فوق العاده مهمی را ایفا کرده است. وظیفه وقف ابتدا، آموزش در مساجد بود. مساجد که عموماً وقفی هستند علاوه بر محل انجام فرائض مذهبی، محل تشکیل جلسات متعدد درس و بحث بود. نقش مساجد در امر تعلیم و تربیت اسلامی تا حدی است که مدارس اولیه شکل و فرم ظاهری مسجد را داشتند. همه این مدارس متکی بر وقف، و تحصیل در آنها همگانی و رایگان بوده است. دانش آموزان و دانشجویان برای تحصیلات متوسطه و عالی خود هزینه ای پرداخت نمی کردند و تحصیل در آنها مخصوص قشر خاصی از مردم نبود، بلکه امکانات تحصیل برای همه اقشار جامعه فراهم بود. هر چند مساجد، نخستین مکانهایی به شمار می رفتند که هر دو وجهه دینی و علمی را با هم دارا

بودند. اما با تکامل و توسعه تمدن اسلامی و ادبیات و دیگر علوم، اکتفا به مساجد و مباحث پراکنده ای که در آن صورت می گرفت میسر نبود و نیاز به ایجاد مراکز معینی به منظور تحقق اهداف تعلیم و تربیت احساس می شد. البته آموزش، فعالیت اجتماعی به شمار می رود که با توجه به سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه ای شکل می گیرد و به منظور توسعه تعلیم و تربیت، نهادهایی را پدید می آورد. عموماً در جوامع انسانی آموزش از درون نهادهای مذهبی سر بر آورد و به تدریج در پیوند با مذهب مراحل تکمیلی خود را پیمود که آن نیز به دلیل تنوع رشته ها و تخصصی شدن آنها بود.

زمینه های تاریخی پیدایش مدارس اسلامی به قرن سوم هجری باز می گردد که گسترش قلمرو سرزمینهای اسلامی و آشنایی مسلمانان با اصول ادیان و مذاهب دیگر و انتقاد پیروان آنها از برخی عقاید و آداب و لزوم پاسخگویی و تفسیر و ترجمه، زمینه های فرهنگی و اجتماعی را فراهم کرد تا حکومتهای اسلامی به فکر ایجاد فضای بحث و مناظره بیافتند مساجد، نخستین فضاهای تدریس و مراکز درس و بحث بوده و به تدریج دارالعلوم هایی نیز به وسیله علما و امرأء تأسیس گردید که هم معماری و هم محتوای درسی آنها متأثر از مساجد بود.

مستثنا نبود و ایجاد وحدت ملی و رسمیت مذهب شیعه از یک طرف و توسعه روابط خارجی با کشورهای اروپایی از سوی دیگر مشخصه مهمی از این دوره تاریخی است که به منظور توسعه مذهب شیعه، احداث مدارس دینی و موقوفی افزایش یافت. تقریباً همه کسانی که کمر همت به تأسیس و بنیاد مدرسه ای می گماشتند چهار اصل زیر را برای ایجاد یک مدرسه در نظر می گرفتند:

۱- ساختمان مدرسه

۲- تعیین مدرسان ورزیده و نامور

۳- تهیه کتاب و تأسیس کتابخانه

۴- اختصاص موقوفاتی که از محل درآمد آن بتوانند هزینه های مدرسه را تأمین کنند. (امینیان، ۱۳۸۱)

مشهورترین مدارس وقفی گذشته، مدارس نظامیه خواجه نظام الملک در قرن پنجم هجری است. البته قبل از ایجاد این نظامیه ها نیز مدارس وقفی دیگری وجود داشت، از جمله در تاریخ بیهقی آمده است که در عصر سامانیان، امام ابو الحسن محمد بن شعیب بیهقی در نیشابور مدرسه ای تأسیس کرده و مبالغی هنگفت از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شاغل به تحصیل در آن وقف کرد. (کسائی، ۱۳۷۴) خواجه نظام الملک با تأسیس مدارس نظامیه به این نکته توجه کرده بود که برای مبارزه با دشمنان علاوه بر اقدامات نظامی، فعالیت های فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی نیز لازم است. نظامیه های معروفی که نیروی انسانی مورد نیاز را تأمین می کردند و در تاریخ از آنها نام برده شده، عبارتند از نظامیه های نیشابور، بغداد، اصفهان، آمل، طبرستان، بصره، بلخ، مرو، هرات، موصل و خواف. هر یک از این نظامیه ها دارای موقوفات متعددی بود از درآمد آنها هزینه این نظامیه ها تأمین می شد.

از اوائل سده چهارم هجری نهادهای علمی دیگری با عنوان دارالعلم به وجود آمد. از جمله قدیمی ترین دارالعلمها، دارالعلم ابو القاسم جعفر بن محمد موصلی (۴۲۳ هـ) از ادیبان و فقیهان بنام شافعی در موصل است. این فقیه موقوفات متعددی بر این دارالعلم وقف کرد که هر دانشجویی می توانست با استفاده از نوشت افزار و کمک هزینه نقدی در آنجا مقیم شود و از امکانات آن استفاده کند. (همان منبع)

از این تاریخ به بعد کتابخانه‌های وقفی در کشورهای اسلامی رواج فراوان یافت به گونه‌ای که کمتر شهری یافت می‌شد که خالی از کتابخانه‌های وقفی باشد. یاقوت حموی درباره گنجینه‌های کتب وقفی یکی از شهرهایی که از آن بازدید کرده (مرو شاهجان) و می‌نویسد: دسترسی به کتب آنها آسان بود اقامتگاه من هیچ‌گاه از حدود دویست جلد از این کتب که بیشتر آنها را بدون سپردن وثیقه دریافت کرده بودم، خالی نبود. از قرن چهارم به بعد کمتر شهری یافت می‌شد که کتابخانه‌های وقفی نداشته باشد. تعداد این کتابخانه‌ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابو حیان نحوی بر خریدار کتاب عیب می‌گرفت و می‌گفت: «خداوند به تو عقل معاش بدهد، چرا کتاب می‌خری؟! من هر کتابی را می‌خواهم از کتابخانه‌های وقفی به امانت می‌گیرم». علاوه بر نظامیه‌ها، دارالعلم و کتابخانه‌های بزرگ و متعددی در کشورهای اسلامی از محل اوقاف به وجود آمده بود که تماماً وظیفه نشر و گسترش علوم را به عهده داشتند، که به قصد تأسیس، اداره و نگهداری مراکز علمی و آموزشی وقف گردیده و این ایثار و احسان مسلمانان در بزرگداشت دانش و رسیدگی به حال جویندگان دانش اوراقی درخشان از کارنامه نیکوکاران را برای بشریت به یادگار نهاده است. (کسائی، ۱۳۷۸)

مساجد جامع در حکم نخستین دانشگاه‌های عمومی برای عبادت و ارشاد و آموزش در امر دین و دنیای مسلمانان بود که از گاه تأسیس مسجد النبوی در مدینه منوره به عنوان خانه خدا مورد تعظیم و احترام نومسلمانان قرار گرفت. از این رو دیگر نهادهای عبادی و آموزشی پس از مسجد النبوی در جای جای جزیره العرب و پس از آن در سرزمین‌هایی که به قلمرو اسلام پیوست با پشتوانه مشروع‌ترین و مقبول‌ترین اموال موقوفه تأسیس گردید. با فزونی آمد و شد مسلمانان به این آموزشگاه‌های عمومی، دیگر نهادهای آموزشی چون دارالقرآن، دارالعلم، مدرسه، دارالحدیث، خانقاه، کتابخانه، مکتب یا کتاب به عنوان رسمی‌ترین نهادهای آموزشی علمی در سرزمین‌های اسلامی بنیان گردید، بانیان و واقفان این مراکز بیشتر خلیفگان، سلاطین، امیران، وزیران و توانگران نیکوکار بودند که گذشته از سختی علمی، خدمت به علم و عالمان را وظیفه و رسالت حکمرانی و انسانی خود می‌دانستند. امامان، پیشوایان مذاهب و دانشمندان نیز به فراخور توان مالی خود مسجد یا خانه شخصی را وقف بر تعلیم و تعلیم شاگردان و پیروان خود می‌کردند. در تاریخ آموزش و پرورش اسلامی از این گونه نهادهای عبادی آموزشی نمونه‌ها بسیار است.

خراسان بزرگ خاستگاه نخستین نهادهای آموزشی با عنوان «مدرسه» است. این مراکز از اواخر سده سوم بنیادی روزافزون یافت و دامنه‌اش بتدریج دنیای اسلام را فراگرفت و از آن پس از ماوراء النهر در خاور تا اندلس در باختر دنیای اسلامی مدارس بسیار و برخوردار از پشتوانه مالی موقوفات شخصی یا دولتی تأسیس گردید. نقد و نظر در کارنامه آموزشی این مدارس و اینکه در مواردی رواج فرقه‌گرایی و مجادلات مذهبی در این نهادهای رسمی آموزشی مسیر دانش و آموزش را به انحصارطلبی‌ها و دور نگهداشتن طالبان دانش از اصالت‌های علمی سوق داد نیازمند به بحثی جداگانه در این موضوع است. منظور و مقصود ما در این مقال بازیابی باقیات الصالحات و مراکز عام المنفعه‌ای است که تأسیس و تأمین نیازهای مالی آن مأمون و مأوای بسیاری از دانشمندان شده است که در این مؤسسات موقوفه مجال زندگی و رشد و شکوفایی علمی یافته‌اند. ابن خلدون مورخ و جامعه‌شناس شهری مغربی، پیشرفت دامنه دانش و آموزش در مشرق زمین را مرهون خوی میهمان‌نوازی و بخشندگی و نیکوکاری ایرانیان در حق دست‌اندرکاران و پویندگان راه دانش برشمرده است. (موسوی، ۱۳۹۱)

شریف رضی (م ۶۰۴ هـ ق) و برادر سید مرتضی علم الهدی (۶۳۴ هـ ق) از بزرگان نقیبان علوی در حوزه عراق که هر دو از ادیبان و فقیهان دانشمند عصر آل بویه بودند کتابخانه‌های معتبر خود را با عنوان دار العلم به صورت موقوفه در اختیار طالبان دانش نهادند. شریف رضی چندان پشتوانه مالی بر دار العلم خود تدارک دیده بود که هریک از دانشجویان بی‌نیاز از کمک‌های دولت با در اختیار داشتن کلیدی شبانه‌روزی می‌توانست نیازهای خود را از انبار دار العلم تأمین کند. (همان منبع)

تأسیس مدارس نظامیه در نیمه‌های سده پنجم هجری تحولی بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ آموزش و پرورش جهان اسلامی ایجاد کرد. اغلب واقفان مدارس، سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمد موقوفات مدرسه را به خرید و استنساخ کتاب برای کتابخانه مدرسه اختصاص داده بودند و چندان نپایید که در این کتابخانه‌ها موقوفه گنجینه‌ای غنی از کتاب‌های نفیس فراهم گردید.

یکی از محاسن سنت وقف پیروی دیگر نیکوکاران و مردم خیر از این سیره حسنه بود. که اهدای کتاب به کتابخانه‌های موقوفه گذشته و کتابخانه‌های دانشگاهی در زمان معاصر بیشترین بهره را از این رهگذر برده‌اند. کتابخانه نظامیه بغداد با توجه به شهرت و حرمتی که از آغاز تأسیس کسب نموده بود بسیاری از دانشمندان و بزرگان را بر آن می‌داشت که کتابهای ارزنده خود را به صورت وقف در اختیار این نهاد علمی آموزشی قرار دهند. این کتابها مرتب محل مراجعه استادان و دانشجویانی بود که در حجره‌های مسکونی نظامیه زندگی شبانه‌روزی داشتند و از خوراک و مدد معاش نظامیه استفاده می‌کردند.

با گسترش دامنه تأسیس مدارس و نهضتی که از پرتو مدارس نظامیه در جهان اسلامی ایجاد شد دیگر پیشوایان و پیروان مذاهب نیز به تأسیس مدارس موقوفه تشویق و ترغیب شدند. و این همه ممر معاش استادان و دانشجویانی شد که پیش از آن زندگی علمی آنان چندان نظم و استقراری نداشت. در حمله مغول و خصوصاً لشکرکشی هولاکو به بغداد بسیاری از موقوفات مدارس بزرگ مانند نظامیه و مستنصریه آسیب فراوان دید. و امر رسیدگی به موقوفات مختل شده و احیا و بازسازی آنها چندان مهم می‌نمود که خواجه نصیر الدین طوسی (۲۷۶ هـ ق) صدر کبیر و سررشته‌دار کلیه امور در دستگاه این ایلخان و جانشین او آباقا مسؤولیت ریاست و نظارت بر کل موقوفات قلمرو وسیع هو لاکو را برعهده گرفت و نسبت به ترمیم ویرانی‌ها و تأمین زندگی دست‌اندرکاران دانش کوشش فراوان کرد. (زاهدی، ۱۳۸۷)

اوج شکوه نیکوکاری واقفان اموال موقوفه و بهره‌گیری از آن در بنیان و نگاهداشت نهادهای دانش و آموزش، درخشش دوران پیشی مرد بزرگ و نامدار ایرانی خواجه نصیر الدین طوسی و خواجه رشید الدین فضل الله همدانی (۸۱۷ هـ ق) است که تاتار بیگانه از فرهنگ و تمدن را و امدار دانش و درایت خویش ساخته، در صدر وزیران عصر مغول و ایلخانان خوش درخشیدند و در آن سیاه روزگار تاریخ سیاسی اجتماعی ایران برای احیای میراث معنوی این مرزوبوم مردانه بپا خاستند و سررشته گسسته دانش و معرفت را با سرانگشت تدبیر از نو به هم پیوستند. خواجه نصیر الدین طوسی با وقف کتابهای پراکنده در حمله و یورش تاتار که در مراغه گرد آورد کتابخانه موقوفه چهارصد هزار مجلدی برای بقیة السیف دانشمندان تدارک دید و رصدخانه بزرگ پایتخت ایلخانان را بنیان نهاد. خواجه رشید الدین فضل الله همدانی نیز با بنایی بی‌نظیر به نام نامی ربع رشیدی اساس دانشگاهی بی‌مانند و جهانی را استوار ساخت که صورت موقوفات بی‌سابقه آن در مجموعه بزرگ «موقوفات ربع رشیدی» اوراقی است زرین از دفتر ایام خدمات انسانی وزیر و خردگرا و بلندهمت که هنوز که هنوز است جهان

پیشرفته غرب منادی مدنیت با آن همه سرمایه‌های مادی و معنوی که در سر کار دانش از خود مایه گذاشته در برابر عظمت این مجموعه بزرگ دانشگاهی و موقوفات خرد و کلان آن در شگفت مانده است. (کسای، ۱۳۷۸)

سنت حسنه وقف با رویکرد تربیتی در سالیان اخیر نیز مورد توجه جدی قرار گرفته و این فرهنگ همچنان ادامه دارد. در ماده دوم وقف نامه بنیاد فرهنگی البرز اشاره شده است که هدف «تجلیل از مقام علمی دانشمندان و پژوهندگان برگزیده مسلمان و تشویق دانش آموختگان برگزیده و نوباوگان و نوجوانان با استعداد» است. امروزه با تشکیل انجمنهای خیرین مدرسه ساز، کتابخانه ساز و... در سطوح مختلف منطقه ای، استانی و ملی، فرایند وقف در راستای تعلیم و تربیت بویژه تربیت دینی متریبان ساز و کاری نهادمند و قانونی یافته و این فرهنگ اسلامی بصورتی روزافزون در حال اشاعه و توسعه می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات پایانی:

مسئله احیای فرهنگ وقف برای مصارف علمی و فرهنگی و تربیتی همانطور که در قرون اولیه شکوفایی تمدن اسلامی آثار ارزشمندی از خود باقی گذاشته دوباره بایستی جدی گرفته شود و این به مفهوم بازگشت به گذشته نیست بلکه گامی است به سوی آینده. از سوی دیگر لزوم تأسیس بنیادهای وقفی هماهنگ با مقتضیات زمان برای امور مرتبط با تربیت دینی نوجوانان و جوانان بیش از پیش محسوس می باشد؛ همچنانکه ما حدود هفتصد سال مراکز علمی پژوهشی در سطح بسیار عالی مثل مجتمع آموزشی ربع رشیدی داشته ایم که کلاً اداره امور آن از محل درآمد موقوفات انجام می شد یا نظامیه ها و دارالحکمه ها و رصدخانه مراغه و... (جوادی، ۱۳۸۸) از سوی دیگر نقش حیاتی و مهمی کتب و کتابخانه های وقفی در گسترش علم و دانش و تربیت دینی آحاد مردم بی بدیل بوده است لذا بر ماست که مجدداً این سنت حسنه را گسترش داده و با وقف کتاب به نشر علم کمک نموده و مجد و عظمت اسلام را زنده نگه داریم چنانچه مشارکت مردمی در قالب سنت حسنه وقف به طور گسترده در خدمت مربیان و پژوهشگران و نهادهای پژوهشی و تربیتی و در نتیجه توسعه و تولید علم و دانش و تکنولوژی و تربیت انسانهای فرهیخته و متشرع در سطح جامعه قرار گیرد و به عنوان یک بازوی توانا به کمک دولت بشتابد دیری نخواهد پایید که شاهد پیشرفت و توسعه کشور در تمام زمینه های مختلف خواهیم بود. در این راستا شبکه سازیهای اجتماعی و نهادینه نمودن این شبکه ها در قالبهایی چون انجمنهای خیرین مدرسه ساز، کتابخانه ساز، مهارت یار و ... به منظور گسترش فرهنگ وقف و تحقق شعار «همه واقف باشیم» به اشاعه این سنت حسنه و تربیت دینی و علمی دانش آموزان کمک زیادی خواهد نمود.

فهرست منابع مورد استفاده:

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) شاهنامه فردوسی.
- ۳) امینیان مدرس ، محمد(۱۳۸۱). وقف از دیدگاه حقوق و قوانین. تهران: سازمان مطالعه و تدوین(سمت) .
- ۴) جوادی، محمد (۱۳۸۸). "ضرورت حضور وقف در رشد فرهنگی جامعه". نشریه وقف میراث جاویدان ۶۶.
- ۵) حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷). "نقش وقف در پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی". نشریه حقوق اسلامی، شماره ۲۲.

- ۶) زاهدی اصل، محمد؛ (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰). نگاهی به وقف و آثار اجتماعی و اقتصادی آن. مشهد: به نشر.
- ۷) شبلی، احمد (۱۳۷۰). تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت. تهران: امیرکبیر.
- ۸) کسای، نورالله (۱۳۷۸). "وقف در خدمت نهادهای علمی - آموزشی". نشریه وقف میراث جاویدان شماره ۶۵.
- ۹) کسای، نورالله (۱۳۷۴). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی اجتماعی آن. تهران: امیر کبیر.
- ۱۰) عمرانی، محمد (۱۳۸۸). "نگاهی به نقش وقف در ترویج آموزش". نشریه نگاه، شماره دی ماه.
- ۱۱) معراجی، سعید (۱۳۸۵). وقف؛ سنت ماندگار. تهران: نشر صائن.
- ۱۲) موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱). "آثار تربیتی وقف کتاب برای فرزندان". نشریه وقف میراث جاویدان شماره ۷۷ و ۷۸.
- ۱۳) هدایتی، علی اصغر (۱۳۸۸). "مروری اجمالی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی وقف نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها". نشریه وقف میراث جاویدان شماره ۷۸
- 14- Cizakca, Murat (1998) "Awqaf in History and its Implications" for Modern Islamic Economics "Islamic Economic Studies, Vol.6, No1.

Archive of SID